

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

" بررسی دعا و نیایش شخصی و تعلیمی در حدیقه سنایی و تاثیر تربیتی آن بر انسان "

نویسندگان :

دکتر سید علی اکبر شریعتی فر

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی واحد سبزوار؛ دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران

نشانی پست الکترونیکی: shariatifar@iaus.ac.ir . ali_far1345@yahoo.com

دکتر سمیه عزتی

مدرس گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان علامه طباطبائی شعبه سبزوار، سبزوار، ایران

نشانی پست الکترونیکی somayee219@gmail.com

چکیده:

دعا و نیایش در فرهنگ اسلامی از دیرباز در ایران و ادبیات فارسی نمودی ویژه داشته به گونه‌ای که موجب آفرینش نوع ادبی بی‌نظیری به نام ادبیات نیایشی در ادبیات فارسی شده است دعا و نیایش علاوه بر تعلیم و تربیت انسان در رشد و تکامل عرفانی و تعالی بخشی روح انسانی نیز نقش مهمی داشتند

در این مقاله توصیفی - تحلیلی برانیم تا پس از بررسی پیشینه دعا و نیایش در متون فارسی بگوییم دعا و نیایش که همان گفت وگویی صمیمی با خداست تعالی بخش روح انسان است و بهترین وسیله‌ی ارتباط و تکامل و سیر و صعود به درگاه خداست و اعتقاد به تاثیر دعا در تحولات هستی از ایمان و یقین انسان‌ها به وجود نیروی برتر و تصرف اراده‌ی او در هستی نشات می‌گیرد. در ادبیات همواره از ارتباط با خداوند و نیایش با او به کرات صحبت شده است اهل شعر و ادب هم در قرون متمادی، نوشته‌های خود را به تاسی از آیات قرآن و تعالیم دینی با نام و یاد خداوند و حمد و ثنای او آغاز می‌کردند

این آموزه‌ی دعا و نیایش همواره مورد توجه انسان‌ها بوده بررسی و تحقیق در این آثار می‌تواند خوانندگان را بیش تر به عمق مفهوم دعا و نیایش به عنوان آموزه‌ی تعلیمی و تربیتی که تعالی بخش روح انسانی است آشنا سازد و بگوید دعا و نیایش فقط ستایشی نیست و در گونه‌های دیگر نیز جلوه می‌نماید و در زنجیره علل و اسباب یکی از علتها و سببهای است که خدا در کار انسان مؤثر قرار داده است .

کلید واژه : نیایش و دعا ، انسان ، ادبیات ، شعر ، سنایی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مقدمه :

یکی از مهمترین مباحث اعتقادی و مذهبی که با فرهنگ و اخلاق و تربیت انسانی گره خورده است و در خصوص آن پژوهشهای زیادی در حوزه و دانشگاه به صورت آکادمیک و روشمند صورت گرفته است مبحث دعا و نیایش است. با این وجود همه پژوهشهای ارزشمند و ذی قیمتی که به وسیله محققان و پژوهشگران درباره دعا و نیایش صورت گرفته است، که هر کدام در نوع و محتوا شایان تحسین و قابل بهره برداری و ارزش می باشد و تحقیقات و پژوهش آنان درخور تقدیر و تمجید است، اما جای تحقیقات سودمند و راههای طی نشده و بکر و آموزنده هنوز در متون ادبی و شعری در زمینه دعا و نیایش وجود دارد که جای آن خالی به نظر می رسد. در این مقاله به تحلیل جلوه های دعا و نیایش و چگونگی نقش موثر آن در مسائل تربیتی بر تعالی روح انسان در شعر حکیم سنایی غزنوی پرداخته خواهد شد. به گونه ای پاسخ پرسشهای طرح شده در پژوهش بر آورده گردد.

هدف پژوهش: هدف از نگارش این مقاله بررسی جایگاه و اهمیت دعا و نیایش در شعر سنایی و نقش دعا و نیایش در تربیت و تکامل و تعالی بخشیدن روح انسانی با ارائه مستندات از حدیقه سنایی و مشخص نمودن دیدگاه سنایی در خصوص انواع نیایش خواهد پرداخت

پرسشهای پژوهش:

۱- گونه های دعا و نیایش در حدیقه کدامند؟

۲- آیا سنایی در حدیقه بر جنبه تربیتی نیایش همراه جنبه تعلیمیان توجه داشته است؟

۳ - سنایی در حدیقه بر کدام نوع از انواع دعا و نیایش بیشتر تاکید دارد؟

دعا و نیایش در شعر سنایی

حکیم سنایی را باید از بزرگ ترین شاعران این سبک در نحوه ی ستایش و نیایش خداوند دانست. البته حکیم فردوسی نیز همین قدر و منزلت را داراست. اما هیچ گاه نمی توان این دو شاعر را یکی پس از دیگری آورد و رده بندی کرد. چنان که اگر ارکان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

چهارگانه ی ادب فارسی را، فردوسی، سعدی، مولانا و حافظ فرض کنیم، نمی توان گفت که کدام بر دیگری برتری دارد بلکه همه ی آن ها به یک اندازه بر دیگری برتری دارند و هر یک در زمینه ای در صدر قرار دارند. درباره ی سنایی و حکیم فردوسی نیز وضعیت چنین است که درنیایش و ستایش خداوند هر کدام به طریقی صدرنشین هستند.

در واقع در آثار سنایی، بعد از انقلاب درونی که در او به وجود آمده، به جز ستایش خالق، چیزی نمی توان یافت. همه ی حرف او از خداوند است گاه او را معشوق می بیند، گاه هدف، گاه معبود و گاه آفریننده و صانع. بنابراین خدا را به همه ی این نام ها باید ستود تا به او رسید. او در ستایش ها گاهی خداوند را مخاطب قرار داده و ستایش نیایش می کند و گاهی از خطاب به غیبت آمده و زاویه ی دید را تغییر می دهد و صفات او را برای مخاطب بیان می کند:

یار رب از فضل و رحمت این دل و جان	محرم دید نام خود گردان
کفر و دین هر دو در رهت پویان	وحده لا شریک له گویان
صانع و مکررم و توانا اوست	واحد و کامران نه چون ما اوست
حی و قیوم و عالم و قادر	رازق خلُق و قاهر و غافر
فاعل جنبش است و تسکین است	وحده لا شریک له این است
عجز ما حجت تمامی اوست	قدرتش نایب اسامی اوست

حدیقه، ص ۶۰

در آثار سنایی به انواعی از دعا ها برمی خوریم، چنان که در شاهنامه ی فردوسی از نظر دکتر راشد محصل، به دو گروه کلی دعا و نیایش برمی خوریم:

گروه اول: نیایش هایی که شاعر در آن مستقیماً با معبود راز و نیاز کرده و او را شایسته ی ستایش می داند. می توان گفت: این نیایش ها و ستایش ها جنبه ی شخصی دارند؛ یعنی حرف دل شاعر با خداوند است. و بیشتر برای رهایی خود، نیایش و ستایش می کند.

گروه دوم: نیایش هایی است که به صورت تعلیم و آموزش آمده است. در این دسته، شاعر می کوشد تا نحوه ی نیایش را به خواننده تعلیم دهد و ضمن برشمردن صفات خداوند، بنده را مدیون او می داند پس بنده باید با سجایای اخلاقی، خود را در برابر خداوند نیازمند احساس کرده و ستایش و نیایش کند. در واقع در این گونه دعاها و ستایش ها، تنها نحوه ی نیایش و ستایش فرق می کند، در صورتی که مفهوم سخن تغییر نمی کند؛ یعنی سنایی به جای این که بگوید: خدایا، تو یکتایی و در هیچ شکل و هیأتی نمی گنجی، می گوید:

اوست بی شکل و جسم و هفت و چهار	ایزد فرد و خالق جبار
--------------------------------	----------------------

حدیقه، ص ۹۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

در واقع به جای دوم شخص، سوم شخص را انتخاب کرده است.

یا به جای این که بگوید : خدایا، «راضی هستم به رضای تو» می گوید:

با قضا مر تو را چو نیست رضای
نشناسی خدای را به خدای
حکم تقدیر او بلا نبود
هر چه آید به جز عطا نبود

حدیقه، ص ۶۲

تو دانسی که بر درگه لایزال
در برترین الهی رضاست

دیوان، ص ۷۹

سنایی عارفی است که مراحل هفت گانه ی سلوک را طی کرده است. بنابراین از مرحله ی ستایش گذشته است. چنان که گفته شد همه ی آثار او پر از ستایش خداوند است. حتی در قصاید او که حالت مدحی دارند، ضمن برشمردن ویژگی های ممدوح، صفات خداوند را نیز یادآوری کرده و نحوه ی برخورد انسان در برابر خداوند و ستایش و نیایش او را بیان می کند. لذا می بینیم غزلیات حکیم سنایی، نوعی نیایش عاشقانه است. معشوق سنایی، پاک و قدیس است و باید با پاکی هم ستایش شود. می توان نتیجه گرفت که سخن سنایی، همه نیایش و ستایش خداوند است. با واسطه یا بی واسطه، در این بحث ما ابتدا به ستایش و نیایشهای شخصی و سپس به ستایش و نیایش های تعلیمی او می پردازیم.

نیایش و ستایش شخصی

زیباترین، عمیق ترین و جذاب ترین ستایش ها را در آثار سنایی، به ویژه در حدیقه ی او می توان یافت که نشانه ی عبودیت، اخلاص، ایمان و عشق او به معبود است:

ای در دل مشتاقان از عشق تو بستان ها
وز حجت بی چونی در صنع تو برهان ها
در ذات لطیف تو حیران شده فکرت ها
بر علم قدیم تو، پیدا شده پنهان ها
در بحر کمال تو، ناقص شده کامل ها
در عین قبول تو، کامل شده نقصان ها
در سینه ی هر معنی، بفروخته آتش ها
بر دیده ی هر دعوی، بر دوخته پیکان ها
مشتاق تو از شوق در کوی تو سرگردان
از خلق جدا گشته، خرسند به خلقان ها
در راه رضای تو، قربان شده جان وان گه
در کوی تو چون آید، آن کس که همی بیند
ای پایگه امرت سر مایه ی درویشان
بی رشوت و بی بیمی بر کافر و بر مؤمن
حقا که فروناید بی شوق تو راحت ها
هر روز برافشانی از لطف تو احسان ها
والله که نکو ناید بی علم تو دستان ها

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

از عفو نهی تاجی، بر تارک عصیان ها
شاید که به ما بخشی از روی کرم آن ها
دیوان، صص ۱۸-۱۶

ما غرقه ی عصیانیم، بخشنده تویی یا رب
بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو

چنان که می بینیم لحن نیایش و ستایش سنگین و باوقار است؛ چون قالب، قصیده بوده و به صورت مدح آمده است. هم چنین در این جا هنوز سنایی دچار آن انقلاب درونی نشده است و گویی شعر نوعی شعر کوششی است و شاعر در بند قافیه و ردیف و به دنبال آن می گشته است.

اما نیایش ها و ستایش های سنایی در حدیقه، نوعی دیگر است. البته چون در قالب مثنوی سروده شده، زیبایی خاصی دارند:

وی خردبخش بی خرد بخشای
حافظ و ناصر مکین و مکان
همه در امر تو زمان و زمین
همه در امر قدرتت بی چون
عقل با روح پیک مسرع توسست
از ثنای تو اندرو جانست
رهبر جود و نعمت و کرمست
محرم دید نام خود گردان
حدیقه، ص ۶۰

ای درون پرور بر آرای
خالق و رازق زمین و زمان
همه از صنع تو مکان و مکین
آتش و آب و باد و خاک سکون
عرش تا فرش جزو مبدع توسست
در دهان هر زبان که گردان است
نام های بزرگ محترمت
یارب از فضل و رحمت، این دل و جان

در این جا نیز سنایی به عنوان یک پیر طریقت زبانش فخیم و سخنش استوار، باوقار و متین است. و چه زیبا عشق به معبود ازلی را به ثبوت رسانده است که می گوید:

آرزو بخشش آرزومندان
مهربان تر ز من تویی بر من
نعمتت را میانه پیدا نیست
با رضای خودش قرینی ده
نسبت باد و خاکم آتش کن
و ز من افتادن است و شخشیدن
من بلخشیده ام تو دستم گیر
نکنند نیز لابسه ام سودیت
چون تو هستی مباد بود همه

ای روان همه ی تنومندان
تو کنی فعل من نکو در من
رحمتت را کرانه پیدا نیست
آن چه بدهی به بنده دینی ده
دل من از یاد قدس دین خوش کن
از تو بخشودن است و بخشیدن
من نییم هوشیار مستم گیر
عاجزم من ز خشم و خشنودیت
چه کنم با تو تف و درود همه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حدیقه، ص ۱۴۹

در ستایش هاو نیایشها، کمال حقیقی را از خداوند می داند و بنده نیز تا زمانی که رشته ی بندگی اش با خداوند قطع نشده، دارای همه چیز است اما اگر از خداوند منقطع گردید دیگر هیچ است.

وی خردبخش بی خرد بخشای
بی تو باشم ز آسیا بانگم
چه بود خوب و زشت مشتی خاک
کز ثنای تو اش زبان باشد
خاک را تا به عرش سر بفراشت
چه بود پیش پاک مشتی خاک
من که باشم که نیک و بد باشم
و ز تو خود بد نیاید اینت عجب
از تو نیکی همه سزاوار است
نه تو شیری گرفته ای بگذار
بهر انجام لطف موعودت
و آن چه از فعل ماست، تقصیر است

حدیقه، ص ۱۵۰

ای درون پرور بر آرای
با تو باشم درست شش دانگم
با قبول تو یا ز علت پاک
خاک را خود محل آن باشد
عز تو ذل خاک را برداشت
به خودی مان کن از بدی ها پاک
پیش حکمت خود از خرد باشم
بد و نیکم همه تویی یارب
آن کسی بد کند که بدکارست
گر سگی کرده ایم اندر کار
بر در فضل و حضرت جودت
آن چه نسبت به توست توفیر است

چنان که می بینیم در لابه لای ستایش به ستایشهای در آمیخته به دعا و نیایش نیز پرداخته است.

نوعی دیگر از ستایش های مستقیم، درباره ی حکمت، جبر، اختیار و.. است. که به صورت پرسشی آمده است و در نهایت،

جز تأیید کار خداوند، راه به جایی نمی توان برد.

ور به شهبهت بود عتاب کنی
روز محشر بدان عقاب دهی
ور تو رانی چرا دهی تو جزا؟
گفته در نامه لفرایرضی
پس حوالت کنیم سوی قضا
خود کنیم، خود کشم جزا و زحیر
با سگی در جوال نتوان خفت

چون تو بر ذره ای حساب کنی
ور حرامی بود عذاب دهی
کی پسندی ز بنده ی ظلم و جفا؟
چون حوالت کنم گنه به قضا
خود گنه می کنیم و داده رضا
پادشاهها، مرا به دین بمگیر
در صفات تو ظلم نتوان گفت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

بر تو جایز کجاست بیدادی
و ز مکافات آن نکاسته ای
ای منزه ز ظلم و جور و عیوب
حدیقه، ص ۶۳۹

ره نمودی رسول فرستادی
گر تو بر بنده کفر خواسته ای
این معانی، به ظلم شد منسوب

گاهی همه نیایش و دعا است و ستایش به همراه ندارد. (دعای خواهش). شاعر همه چیز را از خدا می خواهد در قصیده ی

معروفی که در مقام اهل توحید می آورد با مطلع زیبای:

قدم زین هردو بیرون نه، نه این جاباش و نه آن جا

مکن در جسم و جان منزل که این دون است و آن والا

در ادامه به نیایش می پردازد و با توکل بر خداوند همه چیز را از او می خواهد و از کم شدن نعمت نمی هراسد:

همی خواهم به هر ساعت چه درس آنچه در ضرا
چنان کز وی به رشک افتد روان بوعلی سینا
مرا از زحمت تن ها بکن پیش از اجل تنها
که تا چون خود نخواندم حریص و مفسد و رعنا
مگردان حرص من چون مل که در پیبری شود برنا
بیابان بود و تابستان و آب سرد و استسقا
حدیقه، ص ۶۰

به دل نندیشم از نعمت نه در دنیا نه در عقبی
که یارب مرسنایی را سنایی ده تو در حکمت
ز راه رحمت و رأفت چو جان پاک معصومان
زبان مختصر عقلان ببند اندر جهان بر من
مگردان عمر من چون گل که در طفلی شود کشته
به حرص ار شربتی خوردم مگیر از من که بد کردم

او در ستایش و نیایش به مرحله ی توحید می رسد؛ یعنی جز خداوند چیزی را نمی بیند:

به جز از نام تو نامی نه بر آید به زبانم
به جز از گفتن حمدت نبود ورد زبانم
که مسلمانم و یارب نه از آن بی خبرانم
حدیقه، ص ۳۸۵

ای خدایی که به جز تو ملک العرش ندانم
به جز از دیدن صنعت نبود عادت چشمم
بار الها تو بر آری همه امید سنایی

در آخرین مرحله، مانند کودکی که اگر از پدر قهر کند، باز هم برای جستن پناه باید نزد پدر، برگردد. هیچ مأمن و پناهی جز

خداوند نمی یابد. ناچار در برابر معبود دست به دعا و نیایش برداشته و اظهار عجز و ناتوانی می کند:

توان بی مثل و بی شبهی که دور از دانش مایی
به هر چه ارواحها داند به خوبی هم تو اعلائی
هر آن بندی که گردد سخت آن را هم تو بکشایی
که بخشاید درین بیدادمان گر تو نبخشایی؟

ایا بی ضد و مانندی که بی مثلی و همتایی
به هر چه انفاس هاداند تو آن انفاس می دانی
هر آن کاری که شد دشوار، آسانی ز تو جوید
که آمرزد خداوند ا رهی را گر تو نامرزی؟

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شعاعی گر فرومیرد، مر آن را هم تو افزایی
خداوند، خداوندی که خود را می تو بستایی
حدیقه، صص ۸-۵۹۷

چراغی گر شود تیره مر او را هم تو افروزی
جهان دارا، جهان داری که عالم مرتو را شاید

نیایش ها و ستایش های تعلیمی

همان گونه که در ابتدا گفته شد، این گونه ی ستایش و نیایش در واقع تعلیم به خداشناسی و طلب یاری از خداوند است که در بین آن ها آیین رو به رو شدن با خداوند و طریقه ی نیایش و ستایش نیز آمده است و ما به آن ها، عنوان ستایش و نیایش تعلیمی داده ایم، زیرا برشمردن صفات و افعال خداوند نیز نوعی ستایش به شمار می رود.

سنایی در ستایش های خالق، به ذات، صفات و افعال خداوند پرداخته است. به عقیده ی او ذات خداوند قابل تفکر و اندیشه نیست و نمی توان درباره ی آن حرف زد؛ زیرا ذات خداوند بی نشان و نامحسوس است و حتی از نظر عرفان نیز نمی توان آن را تحلیل کرد و یا به آن رسید.

علاوه بر ذات خداوند، در شعر سنایی ابیاتی پیدا می شود که به صفات خداوند پرداخته است او مثل واعظان زمان خود در هر جایی که موقعیت ایجاب می کرده، مضمون هایی را درباره ی صفات خداوند به شعر درمی آورده است.

« او معتقد است که انسان ها به اعتبار مقام جانشینی خداوند، به صورت بالقوه، استعداد آشنایی با اسماء خداوند را دارند اما هر عقلی شایستگی درک آن اسماء را ندارد.»^۱

به طور خلاصه باید گفت، سنایی با این نوع اشعار می خواهد با بهره گرفتن از کلام خداوند و مستندات بزرگان دین و صوفیه، مجموعه ای منسجم اما ساده و روان از خداشناسی را برای مخاطبان خود بیان کند. برای همین، شیوه ی ساده و عطف گونه ای در پیش می گیرد که هم مناسب فهم مردم عادی است و هم برای سالکان راه حق، دل نشین است.

چنان که گفته شد، قسمتی از ستایش های سنایی به صورت آموزش است، در واقع با یک تیر دو نشان می زند، هم ستایش می کند و هم دیگران را به چگونه ستایش کردن فرامی خواند، در همه ی این ستایش ها و نیایش ها که به صورت تعلیمی (غیرمستقیم) آمده، نوعی رابطه ی مرید و مراد بودن نهفته است هرچند برخی معتقدند که سنایی خود، بدون داشتن پیر و مراد به مقام عرفانی رسیده است اما خود، نقش مراد را ایفا می کند.

از جمله موارد دیگری که می توان آن را به صورت ستایش و نیایش تعلیمی (غیرمستقیم) قبول کرد، موضوع حکمت خداوندی است، در داستانی که در حدیقه درباره ی شخص بیماری که به خوردن گل عادت دارد، از پزشک خود می خواهد که به او اجازه دهد تا آن را بخورد. در صورتی که از زیان های آن بی خبر است. در این جا پزشک همان خداوند است و بیمار، انسانی

۱. حدیقه الحقیقه، ص ۶۰

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

است که از خداوند با دعای خویش چیزی می خواهد که به زیان او است. بنابراین اگر خداوند نیاش و دعای کسی را اجابت نمی کند، خیری در آن است و در واقع خداوند از سقوط آنان جلوگیری می کند. موضوع دیگری که درباره ی لطف خداوند مطرح می کند، مداومت لطف الهی است. بنابراین از نظر سنایی، فضل خداوند عمومی است:

کافر و مؤمن و شقی و سعید	همه را روزی و حیات جدید
حای حاجت هنوزشان در حلق	جیم جودش بساده روزی خلق
نه تو را گفت رازق تو منم	عالم سر و عالم علمم
جان بدمم و جوه نان بدمم	هرچه خواهی تو در زمان بدمم

حدیقه، ص ۱۰۶

یکی از زیرمجموعه های نیایش و ستایش خداوند، توبه و تقاضای بخشایش از خداوند است. (دعای خواهش). نگاه او به توبه دوگونه است؛ یعنی از یک دیدگاه مانند عالمان دینی روی به درگاه خدا می آورد و نه تنها برای خود بلکه خواننده را نیز به آن تشویق می کند، از نظر او توبه مثل فرشته ای است که می تواند انسان را نجات دهد:

گر گناهی همی کنی اکنون	آن گناه از دو حال نیست برون
گر ندانی که می بداند حق	گویمت اینست کافر مطلق
ور بدانی که می بداند و پس	می کنی اینست شوخ دیده و خس
خود گرفتم کسیت محرم نیست	حق بداند، حق از کسی کم نیست
عفو او گیرم ار بپوشاند	نه ز تو علمش آن همی داند
توبه کن زین شنیع کردارت	ورنه بینی به روز دیدارت
نفس خود را میان حالت خویش	غرقه در قلم خجالت خویش

حدیقه، ص ۱۰۵

شو به دریای داد و دین یک دم	تن برهنه چو گندم و آدم
تا کند توبه ی تو جمله قبول	تا نگردي دگر به گرد فضول
تو هنوز از متابعی شیطان	تو به نا کرده کی بوی انسان

حدیقه، ص ۱۱۰

گاهی هم مانند عارفان طریقت به مسئله ی توبه نگاه می کند. در کتاب های صوفیه توبه، یک نوع ذکر است. توبه برای آن است که سالک، از غرور و خودبینی نجات پیدا کند:

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

شوق در گردنش چو طوق بود
پس خلاصی طلب کند جاننش
که ازو عقل و جان و تن سوزند
بوتیه ی تو به از پی این است
توبه ی او کلید دروازه است

حدیقه، ص ۱۵۷

سنایی حتی نحوه ی نیایش و ستایش خالق را نیز به خواننده تعلیم می دهد. در ستایش، نافرمانی، انسان را به مرتبه ی عزازیل می رساند و مورد لعنت خداوند قرار می دهد. هم چنین ستایش خداوند باید همراه با تواضع و فروتنی باشد. ستایش و تکبر و غرور با هم، هم خوانی ندارند:

آرزو زو مخواه او را خواه
چشم شوخ تو دیدنی همه دید
رخت و تخت تو بخت برگیرد
چه حدیث است این منی و تویی؟
دعوی دوستی و پس تو و او
هرکه او جز همه بود همه کم
نوش نیشش شمار و خیری خار
هم چو کشتی به هر دم آستن
هر چه دادت خدای در جان گیر
رحمت و لعنه هر دو یکسان دید

حدیقه، ص ۱۱۰

درست است که سنایی در توصیه ها و اندرزها، در واقع مخاطبش سالکان راه طریقت و صوفیانی است که هنوز در ابتدای راه هستند و یا در یکی از مراحل هفت گانه ی سلوک قرار دارند، چون در واقع او راهنمای سالکان است و هفت وادی عرفان را برای آنان به تصویر کشیده و نحوه ی گذشتن از هر یک را بازگو کرده است اما ما به این موارد، از جنبه ی ستایش نگاه می کنیم؛ زیرا یک نوع آموزش ستایش و نیایش کردن به درگاه معبود است.

و آنک جوید هدایت توحید
و ز برونش نباشد آرایش
ترک آرایش و ستایش اوست

از پس این براق شوق بود
آفرینش چو گشتت زندان
آتشیش از درون برافروزند
تا که خود یار عشق خودبین است
هرکه را کوی عشق او تازه است

چون تو را با داد و بر درگاه
چون خدایت به دوستی بگزید
تویی تو چو رخت برگیرد
برنگیرد جهان عشق دویی
نیست در شرط اتحاد نکو
همه شو بر درش که در عالم
چو رسیدی بیوس غمزه ی یار
مشو از راه ناتوانستن
نیک و بد خوب و زشت یک سان گیر
نه عزازیل چون ز رحمن دید

هرکه خواهد ولایت تجرید
از درونش نماید آسایش
آن ستایش که از نمایش اوست

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

باز عاشق غذای جان خواهد
ذکر او روز و شب غذا کردند
داده بر باد آب و آتش و خاک

حدیقه، ص ۱۱۱

بر در شه گدای، نان خواهد
عاشقان جان و دل فدا کردند
در طریقت مجرّد و چالاک

آموزش ذکر و دعا و نیایش خداوند، که یکی از موارد لازم در راه سلوک است، که نوعی نیایش و ستایش تعلیمی به شمار می رود.

ذکر، در آیین شریعت نیز جایگاه بلندی دارد. سنایی می گوید: کسی که از یاد خدا غافل شود، در واقع ظالم است و کسی که پیوسته مشغول نیایش و دعا و ذکر می گوید، گمراه نخواهد شد:

در طریقت قدم بیفشردی
تا دهانت کند چو گل پر زر
تا بود عزم و رأی تو صایب
یاد کرد کسی که در پیش است

حدیقه، ص ۹۴

شدی ایمن چو نام او بردی
تو به یادش چو گل زبان کن تر
یک زمان از درش مشو غایب
کار نادان کومه اندیش است

نماز یکی از بالاترین جلوه های نیایش و ستایش است. چیزی که حتی واژه های آن از طرف معبود آمده است. نماز نیایشی است که انسان تنها در برابر خداوند قرار می گیرد. اگر هیچ حجابی بین او و معبود نباشد، رسیدن به حق را آسان می گرداند. بنابراین نمازی که با صداقت و اخلاص به جا آورده شود، عالی ترین نیایش و ستایش است.

سنایی، ضمن اشاره به نماز علی (ع) و غرق شدن ایشان در خداوند و بی خبری از جسم خود که حتی در آوردن تیر از پای آن حضرت او را از یاد خدا غافل نمی کند، به سالکان توصیه می کند و به گونه ای تعلیم می دهد که در نماز این گونه صداقت و اخلاص داشته باشید:

یافت زخمی قوی در آن پیکار
گفت باید به تیغ باز برید
گفت بگذار تا به وقت نماز
ببرید آن لطیف اندامش
واو شده بی خبر ز ناله و درد
آن مر او را خدای خوانده ولی
بر ایزد فرارز رفتی تو
باز ناداده از نماز سلام

در احد میسر حیدر کرار
زود مردجراحی چو بدید
هیچ طاقت نداشت با دم گاز
چون شد اندر نماز حجامش
حمله پیکان ازو برون آورد
چون برون آمد از نماز علی
گفت چون در نماز رفتی تو
کرد پیکان برون ز تو حجام

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

که مرا زین الم نبوده خبر
ورنه برخیز و خیره ریش ملان
با همه کام خویش باز آیی
سجده ی صدق صد قیام ارزد
خاک باشد که باد بر پا شد

حدیقه، ص ۱۴۱

گفت حیدر به خالق اکبر
این چنین کن نماز و شرح بدان
چون تو با صدق در نماز آیی
یک سلامت دو صد سلام ارزد
کان نمازی که عادتی باشد

پس از این که می گوید در نیایش و نماز انسان باید صداقت و خلوص نیت داشته باشد و سراپای وجود او در هنگام ستایش و نیایش در خدمت معبود باشد، روش رسیدن به خلوص و صداقت را نیز نشان می دهد. تضرع و زاری کردن به درگاه خداوند مقدمه ی رسیدن به صدق و خلوص نیت است. از نظر ما خود زاری و تضرع به درگاه خداوند، ستایش و نیایش است. بنابراین می بینیم که سنایی در راه دین، از مرحله ی ستایش نیز جلوتر می رود:

خیز و زین نفس شوم دست بدار

در ره صدق نفس را بگذار

حدیقه، ص ۶۷

از آن جا که حدیقه الحقیقه که آئینه ی تمام نمای قرآن و یک دوره ی حکمت عملی است راهنمای اخلاق فردی و اجتماعی بشر برای تعالی روح است و در آن مردم را به سوی توحید، عرفان، عشق و محبت دعوت نموده است. سنایی در میان عارفان اهل دل برجستگی خاصی دارد و نگاه عارفانه ای به نیایش و نماز دارد و آن را به عنوان یک آموزه ی تربیتی و دینی و از سوی دیگر از منظر عرفانی و ادبی مورد توجه قرار داده است و زهد و عرفان در سراسر این کتاب موج می زند و قرآن را می جوید و می کوشد گرمی و نور حقیقت را از آن درک کند. به نور روشنایی قرآن از شاهراه شریعت و طریقت به حقیقت راه پیدا کند. سنایی اشعار زیبایی را در زمینه ی علوم دینی و نیایش و مخصوصاً نماز سروده است. و به موضوعاتی از قبیل ظاهر و باطن نماز، خضوع و خشوع در نماز، پرداخته است و در تمامی این موضوعات تأکید دارد که نیایش عارف یک نیایش مبتنی بر معرفت است. در ادامه ی این بحث سعی شده است تا آرای سنایی را درباره ی دعا و نیایش و نماز و ویژگی های نماز و نمازگزار حقیقی را فهرست وار ذکر کنیم:

الف) نماز، کلید بهشت

نماز، طرحی الهی است که تمام نیازهای انسان در آن دیده شده است. خواندن نماز شرط قبولی سایر اعمال و عبادات است:

«الصلاة عمود الدین ان قبلت، قبل ما سواها و ان ردت ردما سواها»^۲

۲. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۳۹۴

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

سنایی در باب اول حدیقه قبل از آن که ابیات مربوط به نماز آغاز شود، آیاتی از قرآن و روایات از جمله: «اعطی الجنة بالصلوة» را نقل می‌کند که در آن به نقش نماز و اهمیت آن تأکید شده است. به نظر سنایی نماز، یگانه کلید بهشت و نور مؤمن است آن جا که می‌سراید:

خلد کاکای توسط همان بشتاب به دو رکعت بهشت را دریاب

ورنه شد موش خانه دوزخ تو در ره آن سـرای بـرزخ تو^۳

سنایی در ابیات فوق با الهام از آموزه‌های دینی و روایات، کلید بهشت را نماز می‌داند

ب) نیایش و طهارت ظاهر و باطن

طهارت، مقدمه و کلیدی برای ورود به گلستان سرسبز نماز و مناجات و در نتیجه آغازی برای ورود به بهشت است؛ و همچنین از الطاف و انوار الهی است که خداوند بر دل بندگان ارزانی داشت. در احادیث و روایات هم جایگاه طهارت در نماز مهم شمرده شده است. از آن جمله فرموده ی پیامبر(ص): «الوضوء مفتاح الصلوة»^۴ «کلید نماز، وضو و پاکی است» و یا اساس دین، بر طهارت بنا شده است. طهارت ادب در برابر خداوند است بدون طهارت از پلیدی‌های ظاهری و باطنی می‌توان به دستگاه قدس خداوند تعالی راه یافت. اما به نظر سنایی، طهارت محدود به شستن صورت و مسح سر و اعضا نیست. بلکه طهارت باطن را نیز لازم می‌داند و به نظر او نمود اصلی از طهارت ظاهر توجه به طهارت باطن است. با طهارت ظاهر قسمت‌هایی از بدن را که معمولاً بیرون است پاکیزه می‌کنیم. اما پلیدی‌های درون مانند حسادت، بخل، شهوت و حرص که از موانع اصلی یک نماز واقعی هستند، با طهارت باطن و درونی زایل می‌شود و چنین می‌سراید:

غسل ناکرده از صفات ذمیم نپذیرد نماز رب عظیم

حسد و خشم و بخل و شهوت و آز به خدای ارگ‌ذاردت به نماز

حدیقه، ص ۱۳۸

سنایی در جایی دیگر طهارت را جواز و تذکره به سوی حق می‌داند و می‌سراید:

ندهد سوی حق نماز جواز چون طهارت نکرده ای بنیاز

^۳ حدیقه الحقیقه، ص ۱۴۸

^۴ پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ گلستانیان، ۱۳۶۳، ص ۳۳۱

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حدیقه، ص ۱۳۹

نمازی که عیب و خلل داشته باشد در روز قیامت فاقد ارزش است.

هر نمازی که با خلل باشد دان که در حشر بی محمل باشد

حدیقه، ص ۱۴۲

از سخنان سنایی می توان دریافت که نماز حقیقی نمازی است که از سر عادت نبوده، بلکه از روی صدق و آگاهی باشد و عادت و غفلت دو آفت نماز هستند که هر چه ما به عادت نزدیک شویم، از حقیقت دور شده ایم.

د) خشوع و حضور قلب

نماز، که زیباترین شکل و هندسه توجه به خداست، مناسب ترین فرصت برای تغذیه ی روح و روان انسان است. به شرط این که با حضور قلب و خشوع همراه باشد. سنایی در شروع باب اول حدیقه حدیثی از پیامبر نقل می کند «کن فی صلواتک خاشعاً»^۵ «در نماز خشوع کننده باش».

درباره ی حضور قلب در نماز و جداسازی خود از اغیار و القای معانی بر نفس و قلب گوید:

یاد دار این سخن از آن بیدار مرد این راه حیدر کرار

فاعبد الرب فی الصلوه تراه ورنباشی چشم تو و اغوشاه

آن چنانش پرسست در کونین که همی بینیش به رأی العین

گرچه چشمت ورا نمی بیند خالق تو ترا همی بیند

حدیقه، ص ۹۵

خشوع در نماز به معنای تسلیم و فروتنی و کرنش به این که در پیشگاه خداوند جل جلاله حضور دارد. خشوع از چنان منزلتی برخوردار است که خداوند سبحان کسانی را که به این ویژگی مبارک آراسته اند، می ستاید و می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ».

^۵ . حدیقه الحقیقه، ص ۱۳۷

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»^۶ «به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتنند». سنایی هم چون دیگر عارفان نمازی که در آن خشوع و حضور قلب نباشد را بی حاصل می‌داند و ذکر می‌کند که خشوع به مثابه روح و مغز نماز می‌باشد و این امر میسر نمی‌شود جز برای کسی که عظمت و شکوه خدا را در جام جهان‌نمای دل خود به نظاره نشسته باشد، به گونه‌ای که آسایش جسم، راحتی روح و روشنی چشم خود را در آن ببیند و نمازی که در آن خشوع و حضور قلب نباشد. در واقع چنین نمازی هر چند از حیث فقهی قابل قبول است و صاحبش پاداش می‌یابد اما در واقع چنین نمازی رفع تکلیف است نه ادای تکلیف و چنین می‌سراید:

مر تو را زین نماز نَز سَرْدی نیست جان کنَدنی مگر حاصل

طاعتی کان ز دل ندارد و روح کس ندارد و جود آن بفتوح

زان که در اصل خود نیابد نغز بر سر کاسه استخوان بی مغز

هر نمازی که با خلل باشد دان که در حشر بی محمل باشد

از خشوع دلست مغز نماز ور نباشد خشوع نیست نیاز

حدیقه، ص ۱۳۹

باید جان و تن را به او سپرد تا به درگاه قدسی راه یافت.

جان و تن را به کردگار سپار تا درون سَرای یابی یار

حدیقه، ص ۱۴۶

سنایی معتقد است انسان نیازمند به درگاه حق تعالی راه پیدا می‌کند. و در غیر این صورت نه تنها راه پیدا نمی‌کند بلکه سه طلاقه خواهد شد.

با نیاز آی تا بیابی بار ورنه یابی سبک طلاق سه بار

حدیقه، ص ۱۳۹

^۶. سوره ی مؤمنون، آیات ۱ و ۲

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

آن جا می‌رسد که سنایی مسأله‌گریه و زاری و سوز و گداز و آه و ناله و تضرع به درگاه تعالی را رمز نماز حقیقی می‌داند و بر اهمیت آن تأکید می‌کند.

در حقیقت سنایی با معرفی نمونه و الگوی عملی نیایش و دعا و نماز عارفانه، انسان را تعلیم می‌دهد و او می‌خواهد که این چنین باید نماز خواند و دعا و نیایش کرد و رهایی از قیود مادی و دنیوی را لازمی نماز حقیقی معرفی می‌کند، تا این که قرب به خدا حاصل شود و با دید عارفانه مطرح می‌کند که هرچه انسان از آن فاصله بگیرد، عبادت او از اوج بیشتری برخوردار خواهد بود، همان گونه که این امر در نمازهای علی(ع) و سایر عارفان جلوه‌گر بوده است.

نتیجه‌گیری

نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که حکیم سنایی غزنوی دعا و نیایش را موجب تعالی روح انسانی دانسته

و یکی از راههای ارتباط صمیمی انسان با خدا و به عبارتی رساتر یکی از دیالوگ‌های رایج انسان با خدا را دعا و نیایش معرفی می‌کند که در متون ادبی و دینی بزرگترین سرمایه آدمیدانسته شده است و راه و شیوه نیایش و بندگی کردن برای درخواست حاجات و نیازها و خواهش‌هایی که انسان می‌تواند از ساحت قدسی و ربّانی انجام دهد را تعلیم می‌دهد آنچه حاجت‌ها برآورده شود؛ یا نشود که انرا هم از حکمت الهی معرفی می‌کند

سنایی یکی از مهمترین نیایشها را نماز معرفی می‌کند و نماز را از مهم ترین عبادات در اسلام می‌داند ادبا و عرفای ایران از جمله سنایی در این زمینه اهتمام ویژه‌ای ورزیده‌اند که نشان‌دهنده اعتقاد آنها به نماز به عنوان یکی از واجبات شریعت است. نیایش و نمازی که سنایی به جلوه‌های آن پرداخته است، نمازی و نیایشی است که با خشوع و حضور قلب و صدق نیت همراه باشد و نماز از روی غفلت و عادت را مقبول درگاه حق نمی‌داند. نگاه سنایی به نماز نگاهی معناگراست. به این معنی که او برای هر پدیده‌ای صورت و ظاهری قائل بود و حقیقت و باطنی و به اعتقاد او باید از صورت و ظاهر گذشت و به حقیقت و باطن دست یافت. البته تأکیدش به حقیقت و باطن به معنی نفی ظاهر و شریعت نیست، بلکه خودش عامل به شریعت بوده است. دعوتش به درون بینی است و دوری از ظاهرپرستی.

او معتقد است اگر انسان به مکتب دعا و نیایش و نماز وارد شود و خود را در مسیر معراج الهی قرار دهد، آن چنان بالا می‌رود که غیر از خدا نمی‌بیند و آنگاه که انسان غیر از خدا را نبیند و نشناسد و تنها او را عبادت و پرستش کند، خدا نیز دست او را می‌گیرد و توانایی‌های فراوانی به او می‌بخشد. در حدیث شریف قدسی داریم که خداوند متعالی می‌فرماید: «عبدی اطعنی حتی اجعلک مثلی»: «بند من، مرا اطاعت کن تا تو را همانند خود سازم.» از این روی او معتقد است که فریضه ی نماز بهترین، مطمئن‌ترین و جامع‌ترین ابزار پرواز، رشد و تعالی انسان است. نماز محور اصلی حرکت به سوی خداست و در فرهنگ اسلامی از

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

چیزی به جز نماز به عنوان معراج مؤمن یاد نشده است. نماز درست، انسان را به جایگاهی می‌رساند که اندیشه‌ی بشری از درک آن عاجز و ناتوان است.

دستاورد دیگر این پژوهش این است که بگوید دعا روح عبادت است و دعا و نیایش مهمترین مکانیسم تطهیر و عاملی برای شفایافتن دردمندان و تسکینی برای آلام درونی انسان در تمام اعصار است خاصه در زمان حاضر که بیش از هر عصری نیاز به دعا و نیایش دارد تا بر خودخواهی‌ها و خواهش‌های اهریمنی خود لجام زند. تأثیر دعا در ساختار انسان و جهان، به طوری که از شعر سنایی که تحت تاثیر آیات و روایات سروده شده و تصریح شده در هر امری بسیار نافذ و موثر استاز این روی باید بگوییم دین بر پایه عبادت استوار است و مغز عبادت، دعا و نیایش کردن است که خود بهترین عبادت و نزدیک‌ترین راه به سوی خداوند است که عقل و نقل بر فضیلت و بلکه و جوب دعا دلالت دارند. نظر به اینکه دعا سخن گفتن با خداوند و عرض حاجت و نیاز به درگاه بی‌نیاز اوستتا با این عمل روح را جلا داده و به قرب الهی دست یابیم .

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در
فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

منابع و مآخذ

* قرآن کریم

۱. آرام، حسن، جلوه های خدانشناسی در شاهنامه ی فردوسی، نشریه ی طابران، ۱۳۸۰.
۲. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، چاپ گلستانیان، ۱۳۶۳.
۳. تکمرانی، علی، دنیای نیایش دنیای عشق واقعی، بی نا، بی جا، بی تا.
۴. جعفری، محمدتقی، نیایش حسین در بیابان عرفات، مرکز انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، بی جا، بی تا.
۵. خدادادی، معصومه، مقایسه ی نیایش و گفتگوی انسان و خدا در شاهنامه و مثنوی، پایان نامه ی دکتری دانشکده ی علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس تهران، ۱۳۸۳.
۶. راشد محصل، محمدرضا، مقاله ی نیایش در شاهنامه بی نا، بی جا، بی تا.
۷. سنایی غزنوی، ابومجد محدود بن آدم ، حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، تصحیح و تحشیه: مدرس رضوی، بی نا، بی جا، بی تا.
۸. سنایی غزنوی، ابومجد محدود بن آدم، دیوان، به سعی و اهتمام مدرس رضوی، انتشارات کتابخانه سینا، بی جا، بی تا.

۹. سیدرضی، شریف، نهج البلاغه، به قلم فیض اسلام حاج سید علی نقی، به خط طاهر خوشنویس، ۱۳۸۰.

۱۰. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

مقالات:

۱. محمودی، عبدالحسین، مقاله ی دیالوگ انسان و خدا، نشریه ی رسالت، ۱۸ و ۱۹ آبان ۱۳۸۳.
- پایان نامه: جلوه های دعا و نیایش در شعر شاعران برجسته ی زبان فارسی بعد از اسلام تا اوایل قرن نهم هجری

قمی

نگارنده : سمیه عزتی

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در

فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

سال تحصیلی ۹۰-۸۹

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در

فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در

فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature